



هشتمین جشنواره تئاتر استان اصفهان فرصت مناسبی برای رویارویی اندیشه‌های علاقمندان و هنرمندان تئاتر با پیش‌کسوتان این هنر و تبادل تجارب و اندوخته‌ها بود.

از جمله چهره‌های بارز این نشست هنری دکتر محمود عزیزی یکی از هنرمندان برجسته تئاتر کشورمان بود که فرصت را مغتنم شمردیم تا از تجارب و اندوخته‌های ایشان توشه‌ای برگیریم.

وی دکترای تئاتر را از دانشگاه سوربن فرانسه دریافت کرده است و به گفته خودش نزدیک به سی و هشت سال است که ۹۰ درصد از زندگی‌اش را از طریق تئاتر و مشاغل جانبی آن می‌گذراند و از این رو علم و تجربه را درهم آمیخته است. آنچه در پی می‌خوانید متن مصاحبه فصلنامه فرهنگ اصفهان با این استاد ارزشمند تئاتر است.



جایگاه تئاتر اصفهان

مصاحبه با دکتر محمود عزیزی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

□ جنابعالی دورنمای هنر اصفهان و وجهه‌ای که در ایران دارد را چگونه می‌بینید؟

پیشینه هنر مردم اصفهان و به خصوص توانایی که نزدیک به ۴۰۰ سال پیش در رابطه با صنعتگر در همین شهر نوشته شده است، بیانگر این است که پیشینه نگاه مردم اصفهان به فرهنگ و هنر این شهر ارزشمند بوده و از جایگاه معتبری برخوردار بوده است. خوشبختانه بعد از انقلاب مناسبات بین افراد متغیر شده و طبیعی است ارزشهای موجود در هنر و فرهنگ نیز تغییر کرده است که بایستی روی آن ارزیابی جدیدی شود. این ارزیابی جدید شاید مقداری افت و





جایگاهی مرتفع و تعیین کننده شود امید بست. در رابطه با رفتارهای اجتماعی، جایگاه اخلاق اجتماعی انسان و خیلی از مناسبات دیگر در جهت تعریف انسانی شدن جامعه می تواند به پیش رود.



خیز به وجود آورد ولی در هر صورت اعتقاد بر این است که جامعه اصفهانی رفته رفته خط و ربط مرتبط با جایگاه خاص خودش را پیدا خواهد کرد، چنانچه به دفعات نشان داده است به هرحال این شعور، معرفت و جوهره در مردم اصفهان موجود است که در همه زمینه ها ثابت شده است.

□ شما فکر می کنید رسیدن به این جایگاه و این ارتقای هنر تحت چه شرایطی صورت می گیرد؟

- به نظر من مربوط به نگاه عمومی مسئولین جامعه به جایگاه فرهنگ و هنر است علاوه بر آن هنرمند نیز باید جایگاه خودش را نهادینه کند و هر دو طرف در جهت اهداف فرهنگ و نظام حرکت کنند چنانچه به نسبت می بینیم که هر دو طرف این تمایل را از خودشان نشان داده اند. هنر بعد از انقلاب ما هنوز ۱۷ ساله است و نیاز به زمان دارد. بدون شک همین جشنواره هایی که اینجا شکل می گیرد و همین فعالیتهای فرهنگی - هنری و تمنای برگزاری انواع و اقسام جشنواره هایی که در اصفهان شکل می گیرد، بیانگر این است که خواستار رسیدن به نوعی از فرهنگ و هنر در چهارچوب اعتقاد است.

□ جشنواره هایی که هم اکنون جهت پیشرفت تئاتر برگزار می شوند راه زیادی در پیش دارند. برای پیشرفت و تأثیر این جشنواره ها چه پیشنهادی دارید؟

- ما در موقعیتی هستیم که در مرحله اول بیشتر به جمعیت تئاتری احتیاج داریم. ما هنوز در مرحله ای هستیم که گسترش تئاتر خیلی مهم است. این گسترش در مراحل بعدی می بایستی به فعالیتهای کمیته تبدیل شود، یعنی می توانیم از یک مجموعه امکانات یک انتخاب ارجح و صالح بکنیم. ما می بایستی هنوز در آن زمینه سرمایه گذاری کنیم. طبیعی است این سرمایه گذاری نیازمند یک بستر مناسب حمایتی و هدایتی برای پاسخگویی به نیازهای موجود از طرف هنرمند و به خصوص نیروی جوان است. این کار سرمایه عظیم می خواهد و این سرمایه عظیم نیاز به زمان دارد. این نیاز می بایستی با دید عمیق بررسی شود و مسئولین و هنرمندان جملگی به جایی برسند که بتوانند این هنر را نهادینه کنند. این هنر در مرحله شدن است و باید به اینکه روزی تبدیل به

□ در این میان نقش آموزش چیست؟

- آموزش جایگاه خودش را دارد ولی تئاتر نگاه ویژه تری دارد. در واقع تئاتر، دیگر در مرحله آموزش نیست. درست است که آموزش می بیند، یعنی هر بار که خودش تولید می کند از طریق تماشاگر و از طریق جایگاهی که اشغال می کند و جوابی که می گیرد، ولی نهایتاً نگاه نمایش گاهی جامعه شناسانه و زیبا شناسانه است، در جهت ایجاد سوال و در جهت متفاوت نگاه کردن به ارزشهای بازدارنده و کشیده شدن به صورت ارزشهایی که می توانند پویا باشند و می توانند شرایط عینی زیستن انسانها را بین همدیگر متعالی کنند.

□ یعنی شما معتقد هستید که آموزش به تنهایی می تواند این کار را انجام دهد؟

- یکی از مسؤلیتهای آموزش این است که در واقع ابزار ورود به جامعه را هم آموزش دهد. یکی از ابزارهایی که می تواند در مقطع دبستان و دبیرستان به انسانهای فردای

مسئول جامعه بدهد همین آموزش هنر و به خصوص هنر نمایش است مثل خیلی از کشورهای دیگر که از دهه‌های گذشته متوجه ارزش و اعتبار این پدیده اجتماعی شده‌اند و از این طریق استفاده می‌کنند و انسانهای جوان را آموزش می‌دهند که بتوانند تئاتر را ببینند، نگاه کنند و بفهمند و تئاتر بتواند برای آنها الگوهای رفتاری ایجاد کند. این جایگاه آموزش و پرورش ماست و خوشبختانه آموزش و پرورش در سالهای گذشته این سعی و کوشش را کرده که در مراکز علمی، نیروهای هنری و مربی هنری را آموزش دهد و به کار گیرد. این یکی از پله‌های مثبتی است که در سوی نهادینه شدن جایگاه فرهنگ نمایش شکل می‌گیرد. همه اینها ارزش دارد منتهی آموزش یک تعریفی دارد و کار نمایش یک تعریف دیگر و یک مسؤولیت دیگر.



باشند، یعنی هر قدر شما آموزش می‌بینید در عمل باید آن را حس کنید و میزان تواناییهایش را ارزیابی کنید تا مقطعی که انسانی می‌رود و انسان دیگری آن را ادامه می‌دهد.

□ هنر تئاتر در مقابل جذابیت سینما قدری غریب به نظر می‌رسد در صورتی که تئاتر هنر اصیلی است، به نظر شما چه عاملی باعث شده که بیشتر هنرمندان به طرف سینما روی بیاورند؟

- عامل این مسأله یک مقدار به شرایط و امکانات مالی مرتبط با تولیدات هنری و طبیعی برمی‌گردد. یک جنبه جذابیت سینما مسأله تجارت است، یعنی اگر شما ۱۰۰ میلیون خرج کنید و کار بتواند خیلی ارتباط برقرار کند ۷۰ یا ۸۰ میلیون از آن برمی‌گردد. یا امکاناتی است که شما می‌توانید از دولت یا بانکها وام بگیرید و فیلم تولید کنید پس یک وجه آن صرفاً مالی است، این یک نوع نگاه است و یک نگاه دیگر در موقعی که مسؤولین دولتی سرمایه‌گذاران سینما هستند، آن سینما را در واقع ما به سوی جهت دادن، سیاست‌گذاری، تدوین رفتار و اخلاق اجتماعی حرکت می‌دهیم و در واقع سرمایه‌گذاری فرهنگی می‌کنیم که ممکن است ریشه هم نداشته باشد ولی باید آن سینما را جا بیندازیم، برای اینکه آن سینما سلیقه‌ساز مثبت است ولی متأسفانه تئاتر هنوز به دلایلی نامشخص که شاید هم به افراد برگردد، از این

□ آموزش ما یک مقدار نارسائی‌هایی دارد که معمولاً دو تا جبهه‌گیری در قبال آن هست بعضی‌ها معتقد به آموزش هستند و بعضی‌ها معتقدند تئاتر یک مسئله تجربی است و نیاز به آموزش ندارد. نظر شما چیست؟

- ممکن است ما یک مثبت‌کار خوب باشیم که به طور تجربی بدون اینکه کلاسی دیده باشیم و یا کلاس آکادمی گذرانده باشیم، یک مثبت‌کار درجه یک باشیم و این دلیلش این است که در کنار استاد صنعتگر این فرد سالها آموزش دیده است و به جایی رسیده است که چگونه این عمل را انجام دهد و تبدیل شود به یک صنعت و تبدیل شود به یک هنر و این خودش آموزش آکادمیک منهای واژه و مناسبت‌های دانشگاهی است ولی چگونه ممکن است در یک کار اجتماعی که کار هنر تئاتر است آموزش را در یک طرف قضیه ببیند و تجربه را در طرف دیگر با آن جمع کند. به هر حال تجربه می‌بایستی برگرفته و مبتنی بر ارزشهای آکادمیک باشد. اینها لازم و ملزوم یکدیگرند و هیچ کس نمی‌تواند بگوید آموزش ارجح یا تجربه ارجح است. اینها لازم و ملزوم همدیگر هستند و هیچ دانشی هم تا زمانی که تجربه نشود نمی‌تواند معنا پیدا کند، نمی‌تواند مصرف شود، آموزش و تجربه باید با همدیگر

می‌توانند در مقابل دوربین قرار بگیرند بازیگر سینما خواهند شد. ما چنین چیزی نداریم البته ممکن است یک چند نفری یکباره و به طور معجزه‌آسا و تصادفی این کاره شوند ولی به طور عام ما نمی‌توانیم این طریق را به عنوان قاعده بپذیریم.



جایگاه برخوردار نشده و بدون شک اگر شرایط تئاتری به این صورت پیش برود سینمای خوبی هم در آینده نخواهیم داشت. در این مورد می‌بایستی فکر شود، می‌بایست سرمایه‌گذاری‌ها و تقسیم آن عادلانه‌تر شود و برای انبوه هنرمندانی که واقعاً شیفته کار تئاتر هستند شرایطی ایجاد شود که به خاطر عشقشان پایند همین هنر بمانند و اگر به سینما می‌روند، گذری بروند. نه اینکه ما بگوئیم سینما بد است و تئاتر بمانند خوب است. این رفت و آمدها لازم است ولی می‌بایستی این نسبتها تأمین شود و طوری نباشد که ما صحنه‌ها را خالی کنیم و بعد سینمایی هم نداشته باشیم و این هم برای آینده جامعه و هم برای الگوهای لازمه جذب نیروهای جوانتر، خطرناک است.

□ شاید یکی از دلایل آن سختی تئاتر باشد یعنی اینکه از نظر عوام سینما راحت‌تر است. تئاتر مستقیماً با تماشاچی روبه‌رو است، در صورتیکه سینما این‌طور نیست و اشتباهات تصحیح می‌شود، فکر نمی‌کنید یکی از دلایلی همین باشد؟

- نه ممکن است شرایط طوری باشد که یک کارگردان سینما به هر دلیلی یک آدم کوچه و بازار را با شرایط طبیعی خودش مقابل دوربین قرار دهد ولی اگر قرار باشد به آن آدم بگویند بازیگر و نقش دیگری هم به آن پیشنهاد کنند بدون شک او قادر نخواهد بود آن کار را بکند، مگر اینکه او را همچنان در همان نقش نگه دارند و مصرف کنند. ولی اگر قرار باشد که فرد بازیگر شود، طبیعی است که باید این دانش را بیاموزد و زمان بگذارد و تجربه کند و بعد عنوان بازیگری را بگیرد. خوب حالا چند کارگردان به هر دلیلی از این آدمها استفاده می‌کنند و بعد یک چیزی هم باب می‌شود ولی این فکر حاکم بر سینما نیست و سینماگران جملگی این کار را نمی‌کنند مگر تحت تألیف مشخصی که خاص و نیاز آن فیلم به خصوص باشد که کارگردان به سراغ آدمهای کوچه و بازار برود. یک فیلم تجاری سعی می‌کند که از مجموعه امکانات استفاده کند تا پولش برگردد و سودی ببرد. فیلم تجاری بدون شک این کار را می‌کند ولی به این معنا نیست که همه کسانی که